

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ نومبر ۲۰۱۸

دو شکست در یک روز!

سه شنبه- ۰۶ قوس ۱۳۹۷- کابل: روز گذشته، در تاریخ حیات "باندراگ" یکی از روز هائی بود که دو شکست علنی را ناگزیر شد بپذیرد.

به ارتباط شکست اول روز گذشته، در مطلب دیروز به ارتباط ناکام ماندن "غنی احمدزی" در کشتن "دوستم" معلوماتم را خدمت تان نگاهشتم و اما به ارتباط دومین.

دومین شکست روز گذشته دولت دست نشانده، رها کردن "قومندان علیپور" خلاف قوانین نافذ کشور بود. این تخلف آنقدر اشکار و صریح بود که حتا "معصوم ستانکزی" رئیس امنیت ضد ملی در دولت دست نشانده نیز امروز در مجلس "سنا" آن را زیر عنوان "برخورد دوگانه" و "زیر پای کردن عدالت" مورد انتقاد قرار داده، به سناتوران وعده داد که اگر "علیپور" محکمه نشود، وی از مقامش کنار خواهد رفت.

چرا رهائی "علیپور" به مثابه شکست دولت دست نشانده تلقی می شود، در حالی که دفتر معاونیت دوم ریاست جمهوری تلاش دارد تا این رهائی را لباس قانونی پوشانده، مهر "قید ضمانت" بر آن وارد سازد؟ برای پاسخ به این سؤال ناگزیر با شما خوانندگان گرامی می باید فهمم را از روند و سیستم اجرائی "قید ضمانت" در میان گذارم:

۱- وقتی فردی از جانب نیروهای امنیتی، پولیس، ریاست امنیت ضد ملی و یا وزارت دفاع بنا بر اتهامی دستگیر می گردد، آن نهاد هر یک صلاحیت بازداشت موقت و محدود متهم را دارد. این مدت موقت و محدود برای پولیس، ۲۴ ساعت و در موارد استثنائی ۴۸ ساعت است، در حالی که برای ریاست امنیت ضد ملی ۷۲ ساعت می باشد. معنای این بازداشت موقت و محدود آن است که ادارات مربوطه مکلف اند، مقدمات و الزامات ابتدائی کارشان را در طی همان مدت خاتمه داده برای ادامه بازداشت به امر خرنوالی از طریق ارسال دوسیه مربوطه به آن اداره نیازمند می باشند.

۲- پولیس و امنیت ضد ملی، بر مبنای حکم قانون، بعد از ختم مدت صلاحیت یا باید متهم را بدون اگر و مگر و ضمانت رها سازند و یا اجازه ادامه بازداشت را از خرنوالی و در دوام آن از محکمه بگیرند. خود این شعبات حق و صلاحیت رهائی با ضمانت را ندارند.

۳- بحث "ضمانت سر" نظر به حکم قانون اساسی افغانستان که در قانون جزاء نیز قید گردیده مطلقاً ممنوع می باشد یعنی هیچ کس در هیچ مقامی حق ندارد، فردی را از چنگ قانون با "ضمانت سر" رها سازد.

۴- به ارتباط "ضمانت بالمال" قوانین در افغانستان محدودیت های خاص خود را پیش پای مراجع تطبیق قانون گذاشته است:

الف - مرجع پذیرش ضمانت مطمئن باشد که متهم از قانون سوء استفاده ننموده، بدادن ضمانت بالمال دست به فرار نمی زند.

ب- مجازات احتمالی تمام اتهامات وارده؛ حبس کمتر از ۳ سال باشد، یعنی هرگاه اتهامات در حدی باشد که متهم در صورت اثبات اتهامات و باختن محکمه، محکومیت بیش از ۳ سال در انتظارش باشد، در چنین صورتی به هیچ وجه ضمانتش قابل اعتبار نیست.

پ- هرگاه متهم به اتهام مضروب ساختن فرد و یا فردی در بازداشت باشد، ضمانت بالمال متهم تا زمانی که مضروب در شفاخانه است، قابل اجراء نمی باشد، هرچند داکتران از وضع صحی بیمار مضروب اظهار رضایت نمایند.

ت- در سپردن ضمانت بالمال محدودیت های قانونی دیگری نیز وجود دارد، که از بحث امروز ما بیرون است.

حال بیائیم مواردی را که در فوق بدانها اشاره نمودیم به ارتباط رهایی "علیپور" از زندان ببینیم:

۱- مرجعی که نامبرده دستگیر نموده بود ریاست امنیت ضد ملی که قانوناً مجاز است یک فرد را تا ۷۲ ساعت بدون ارسال دوسیه اش به څارنوالی در حبس نگهدارد، می باشد.

۲- اتهاماتی که بر قومندان "علی پور" از جانب ریاست امنیت ضد ملی و وزارت داخله که شخص وزیر داخله دولت دست نشانده آنها را در مصاحبه با تلویزیون طلوع ذکر کرد، قرار آتی است:

الف- تملک و استفاده غیر مجاز از اسلحه گرم.

ب - تشکیل یک دسته مسلح خود سر و در ده ها مورد قانون را به دست خود گرفتن

پ- اخاذی پول از مالکان ارضی، متمولین، سرمایه داران، گرفتن حق العبور بین چند ولایت

ت- زیر نام دفاع از اهالی اینجا و آنجا حمله بر مناطق و نیروهای ملکی و مسلح مخالف دولت و کشتن خودسرانه آنها.

ث- عدم تمکین به نیروهای دولتی تا سرحد تقابل مسلحانه که منجر به کشته شدن تعدادی از مردم ملکی و افراد امنیتی شده است.

هموطنان نهایت گرامی!

وقتی اتهامات فوق و ده ها اتهام مشابه دیگر آن مطرح می گردد، مشاهده می کنیم که اتهامات آنقدر سنگین است که در صورت اثبات، حتا امکان اعدام متهم نیز منتفی نیست تا چه رسد به حبس ابد و یا بالاتر از سه سال.

در نتیجه ضمن آن که مقام دستگیر کننده صلاحیت اجرای ضمانت بالمال را نداشته، حتا څارنوالی و محکمه هم نظر به عدم تمکین نامبرده به قوانین دولتی و امکان مجازات های سنگین، این حق را نداشته اند، تا ضمانت بالمال وی را اجراء نمایند. بناءً گفته می توانیم که دولت دست نشانده با رها کردن "علیپور" آنهم بر اثر فشار از پائین و خیزش هوادارانش، نه تنها شکست مفتحصانه ای را قبول نموده است، بلکه شاریدگی و ناتوانی اش را در مقابل خیزش ها و ریختن مردم به سرکها نیز به اثبات رسانید.

پس می باید برای برچیدن دامن حیات این نظام وابسته و مزدور، به سرکها برآئیم:

سرکها ما را می طلبد!!